



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Freedom's Defense

Bo

بُو: دفاع از آزادی

"و تو باید به در آن روز به فرزندت توضیح دهی که این به خاطر کاری است که خداوند برای من هنگام آزاد شدن از مصر انجام داد."

لحظه ای فرارسیده بود که بیش از دوست سال انتظارش را می کشیدند. بنی اسرائیل که در مصر در بردگی به سر می بردند، به زودی به آزادی می رسیدند. ده ضربت کشور را درهم کوبیده بود. قوم، اول از همه متوجه شدند و فرعون آخر از همه. خدا طرف آزادی و کرامت انسان بود. نمی توان با بردگی گرفتن عده ای به سود عده ای دیگر، ملت ساخت، هر قدر هم که پلیس و ارتش قوی باشند. تاریخ علیه شما خواهد شد، همان گونه که علیه همه ی خودکامان تاریخ بشر شد.

اینک زمان مقرر فرارسیده است. بنی اسرائیل در آستانه ی آزادی بودند. موسی رهبرشان، آنان را گردآورد تا برایشان سخن بگوید. در چنین شرایط سرنوشت سازی که یک ملت در حال تولد بود، در مورد چه می خواست صحبت کند؟ می توانست از آزادی، گسستن زنجیرهایشان و پایان بردگی بگوید. می توانست از مقصدی بگوید که به سوی آن

سفر می کردند: "سرزمینی که در نهرهایش شیر و عسل جاری است". یا می توانست موضوعی تیره تر را برگزیند و از سفر پیشاروی و خطرهایی رویاروی بگوید: آنچه نلسون ماندلا "پیاده روی طولانی به سوی آزادی" نامید. هر یک از این موضوع ها می توانست در سخنرانی رهبری بزرگ در لحظه ای تاریخی در سرنوشت اسرائیل بیان شوند.

موسی هیچ یک از اینها را بیان نکرد. به جای آن در مورد کودکان گفت و آینده ی دور و وظیفه ی انتقال حافظه به نسل های هنوز به دنیا نیامده. سه بار در پاراشای این هفته موسی به این درونمایه بازمی گردد:

و چون فرزندان از تو می پرسند "این مراسم چه معنایی دارد؟" خواهی گفت... خروج ۲۷-۲۶: ۱۲

و در آن روز به فرزندان توضیح خواهی داد که دلیل آن، کارهایی است که خداوند هنگام آزادی از مصر برای من انجام داد. خروج ۱۳:۸

و وقتی در آینده فرزندت بپرسد: "این چه معنایی دارد؟" پاسخ خواهی داد... خروج ۱۴:۱۳

به بنی اسرائیل در آستانه ی کسب آزادی گفته شد که به ملتی از آموزگاران تبدیل خواهند شد. این امر بود که از موسی نه فقط رهبری بزرگ، بلکه همچنین رهبری بینظیر ساخت. تورا در اینجا می آموزاند که آزادی رانه در میدان جنگ و نه در صحنه ی سیاسی، ملی یا بین المللی، بلکه در تخیل و اراده ی خود به چنگ می آوریم. برای دفاع از یک کشور به ارتش نیاز دارید. اما برای دفاع از یک جامعه ی آزاد به مدارس نیاز دارید. خانواده ها و یک نظام تربیتی می خواهید که در آن ایده ها از نسلی به نسل دیگر منتقل گردند، هرگز گم نشده، متلاشی و مبهم نشوند. یهودیان این گونه به مردمی تبدیل می شوند که به آموزش و پرورش اهمیت می دادند و به جای قصرهای باشکوه، مدرسه ساختند و قهرمانانشان معلمان بودند.

نتیجه این بود که تا زمان ویرانی معبد دوم، یهودیان نخستین سیستم آموزش همگانی اجباری را که توسط صندوق های عام المنفعه اداره می شد، بنیاد گذاشتند:

از یهوشوع بن گاملا به نیکی یاد کنید، زیرا اگر او نبود، تورا در میان اسرائیل فراموش می شد. اوایل، یک کودک توسط پدرش تدریس می شد و در نتیجه، یتیمان بدون آموزش می ماندند. آنگاه متوجه شدند که باید در اورشلیم معلمان کودکان استخدام شوند و یک پدر (که خارج از شهر می زیست) فرزندش را به آنجا می برد و به معلم می سپرد. اما یتیمان همچنان قدرت پرداخت شهریه نداشتند. سپس این موضوع از این راه حل شد که در هر منطقه معلمانی گماشته و پسران شانزده و هفده ساله به آنها سپرده می شدند؛ اما وقتی که معلم نسبت به شاگردی عصبانی می شد،

شاگرد می توانست سرپیچی کند و معلم را ترک گوید. سرانجام، یهودا بن گاملا آمد و و مقرر ساخت که معلمان در هر استان و شهر استخدام شوند و کودکان از سن شش یا هفت سالگی به یادگیری نزد آنها بپردازند. بابا بترا ۲۱ الف برعکس، انگلستان، آموزش اجباری همگانی را تا ۱۸۷۰ برقرار نکرد. جدیت حکیمان تلمودی نسبت به اهمیت آموزش در این دو متن بازتاب می یابد:

اگر شهری هیچ تدارکی برای آموزش کودکان نداشته باشد، ساکنان آن تحریم می شوند تا زمانی که معلمانی استخدام کنند. اگر آنها با سماجت به این سهل انگاری ادامه دهند، شهرشان تکفیر می شود، زیرا دنیا فقط با شایستگی نفس های کودکان مدرسه ای بقا می یابد. ربی مشه بن مایمون (هارامبام) هیلخوت تلمود توره ۲:۱

ربی یهودا هناسی، ربی خیا، ربی ایسی و ربی امی را به مأموریت در شهرهای یهودیان فرستاد تا در هر مکان معلمان را بگمارند. آنها به شهری رسیدند که هیچ معلمی نداشت. به ساکنان گفتند: "برای ما مدافعان شهر بیاور". برایشان سربازان محافظ آوردند. ربی گفت: "اینها نه محافظان شهر، بلکه ویرانگران آن هستند." ساکنان پرسیدند: "پس چه کسانی محافظان هستند؟" آنها پاسخ دادند: "معلمان." تلمود یروشلمی، حگیگا ۱:۶

هیچ دین دیگری چنین اهمیتی به آموزش همگانی نداده است. هیچ کدام به آموزش، جایگاه الویت برتر در جامعه را نداده اند. از همان ابتدا اسرائیل می دانست که آزادی رانمی توان با قانون پدید آورد، یا فقط با ساختار سیاسی حفاظت کرد. به قول قاضی دادگاه عالی امریکا، لرنه هند: "آزادی در قلب های مردان و زنان است؛ وقتی که در آنجا بمیرد، هیچ قانون و دادگاهی نمی تواند آنرا نجات دهد." این همان حقیقتی است که حکیمان تلمودی در تفسیری درخشان بیان کرده بودند. آنها تفسیر زیر را بر پایه ی آیه ای در مورد لوح هایی که موسی در کوه سینا دریافت کرد، پیش کشیدند:

لوح ها کار خدا بودند؛ نوشته ها نوشته ی خدا بودند که روی لوح ها حک شده بودند. خروج ۳۲:۱۶

تفسیر آنها چنین بود:

نخوان خروت (حک شده) بلکه بخوان خروت (آزادی)، زیرا هیچ کس به اندازه ی فردی که به مطالعه ی توره می پردازد، آزاد نیست. میشنا آووت ۶:۲

منظور آنها این بود که اگر قانون بر قلب های مردم حک شده باشد، نیازی نیست که آنرا توسط نیروهای قهریه اجبار کنیم. آزادی حقیقی یا خروت توانایی کنترل خود است بدون کنترل کردن دیگران. آزادی بدون پذیرش داوطلبانه‌ی قوانین اخلاق و محدودیت های اخلاقی، یاغی می شود و جامعه میدان نبرد غرایز و امیال می گردد.

این ایده که معناهای بزرگی دارد، برای نخستین بار توسط موسی در پاراشای این هفته در سخنانش به جمع بنی اسرائیل بیان شد. او به آنها گفت که آزادی چیزی بیش از یک لحظه‌ی آزادی سیاسی است. آزادی تلاشی پیوسته در طول دوران ها است برای یاد دادن به کسانی که پس از ما به نبردی خواهند پرداخت که نیاکان ما آغاز کردند تا هیچ گاه آزادی من فدای آزادی دیگران نشود و جلوی آزادی تو را نگیرد. از این روی است که تا امروز در ایام پسخ، مصا یا نان فطیر اسارت و 'مارور' یا سبزیجات تلخ بردگی می خوریم تا به یاد بیاوریم مزه‌ی تند اسارت را و هیچ گاه در پی اسیر کردن دیگران نباشیم.

قدیمی ترین و تراژیک ترین پدیده ها در تاریخ این بود که امپراتوری هایی که زمانی دنیا را به تسخیر درآوردند، سرانجام افول کردند و ناپدید شدند. آنها چنین روندی را طی می کنند: آزادی به فردگرایی تبدیل می شود ("یعنی هر کس هر کار که به نظرش درست بیاید را انجام دهد" داوران ۲۵:۲۱)؛ فردگرایی به آشوب می انجامد؛ آشوب به جستجوی نظم ختم می شود؛ و جستجوی نظم به یک خودکامگی جدید می رسد که اراده‌ی خود را با زور تحمیل می کند.

آنچه یهودیان به برکت داشتن تورا هیچ گاه فراموش نکرده اند این است که آزادی تلاشی است پایان ناپذیر برای تعلیم و تربیت که طی آن والدین، معلمان، خانه ها و مدارس همگی با هم در گفتگوی میان نسل ها مشارکت دارند. تعلیم و تربیت یا 'تلمود تورا' بنیان یهودیت و نگهبان میراث و امید ما است. از این روی، وقتی سنت تلمودی، می خواهد به موسی والاترین جایگاه را بدهد، او را "فهرمان ما"، "پیامبر ما" یا "پادشاه ما" نمی نامد. بلکه او را به سادگی 'مشه ربنو' یا موسی معلم ما می نامد. زیرا در آوردگاه تعلیم و تربیت است که نبرد برای برقراری جامعه ای خوب بازنده یا برنده می شود.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved